

عاشق ایران و ایرانی

سیدابوالقاسم فروزانی

استاد دانشگاه شیراز

هفتم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۹، طی مراسمی باشکوه در دانشگاه غیردولتی حافظ در شیراز از کتاب استاد شیرین بیانی با عنوان *سعدی، خاک شیراز و بوی عشق* با حضور ایشان و همسر فرهیخته‌شان، استاد اسلامی ندوشن، رونمایی شد. با توجه به ابراز علاقه قبلی دکتر بیانی برای دیدار از میمند فارس در نزدیکی شهر فیروزآباد و مشاهده چگونگی تهیه عرقیات و گلاب‌گیری، ساعت پنج بامداد روز بعد همراه با ایشان و دکتر اسلامی ندوشن رهسپار میمند شدیم و کمی بعد از ساعت شش به آنجا رسیدیم. اینکه در پگاه بامدادان راه میمند را در پیش گرفتیم به آن سبب بود که بعضی از آگاهان یادآور شده بودند که هنگام چیدن گل‌های محمدی اول صبح و قبل از گرم شدن هواست. در آن خنکای دلپذیر، استاد اسلامی ندوشن با بیان دقیق و عبارت جذاب خاص خودشان و در حالی که شاداب و با نشاط مسحور نوای بلبلان بودند، از گوناگونی اصوات هزاردستان سخن می‌گفت. اندکی بعد روی به سوی دکتر بیانی برگرداندم، اما از ایشان که چند لحظه قبل به فاصله کمی از ما متفکرانه قدم

Sayyed Abol-Ghasem Forouzani, "An Adorer of Iran and Iranians," Iran Namag, Volume 5, Number 1 (Spring 2020), 133-135.

سیدابوالقاسم فروزانی <forouzani_s_a@yahoo.com> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷) استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز و متخصص تاریخ میانه ایران (سده‌های سوم تا ششم هجری) است. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوره سامانیان؛ سلجوقیان از آغاز تا فرجام؛ غزنویان از پیدایش تا فروپاشی؛ سیمجوریان؛ نخستین دودمان قدرتمند ترک در ایران؛ و قراخانیان: بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود از جمله آثار اوست.

می زدند نشانی ندیدم. پس از چند لحظه، آن بانوی بزرگوار را دیدم که کمی آن سوتر، در گلزارها، همراه با زنان و دختران میمندی به چیدن گل محمدی و صحبت با آنان مشغول است. ظاهراً خار گل ها دستان استاد را می آزد و به همین علت، گل چینان میمندی با مهربانی می کوشیدند ایشان را از چیدن گل برحذر دارند.

فرشته بی‌ریا و باصفا چنان با آن زنان محلی گرم گفت‌وگو بود که گویی سال‌هاست با آنان آشنایی دارد. چند دقیقه بعد، در حالی که زنان و دختران گل چینان از انعام‌های خانم دکتر برخوردار شده و به گرمی ایشان را بدرقه می‌کردند، گلستان‌ها را ترک کردیم. در آن هوای لطیف و فضای دلپذیر، زیر سایه درختی سرسبز و تناور در کنار جویباری زلال فرش کوچکی روی سبزه‌ها افکنده، سفره صبحانه ساده‌ای را گسترده و میهمانان گرانقدرم را به نشستن دعوت کردم. استکان‌های لبریز از چای داغ مشام‌نواز در نعلبکی‌هایی با نقوش گل‌های سرخ گرداگرد قندان و شکرپاش و شاخه‌نبات‌های زعفرانی امکان چشم‌پوشی از نوشیدن چای و خوردن صبحانه را نمی‌داد. زوج فرهیخته و همدل نگاهی به سفره صبحانه انداخته، لحظه‌ای در چشمان یکدیگر خیره شدند. من متوجه منظورشان نشدم، اما خانم دکتر با لحن صمیمانه‌ای گفت: "محمدعلی، امروز رژیم بی رژیم" و جناب استاد با لبخندی رضایت‌مندانه پاسخ داد: "بله امروز به قول شیرین، رژیم بی رژیم."

پس از صرف صبحانه، خانم دکتر بیانی به این مطلب اشاره کرد که ما به مملکت‌های زیادی مسافرت کرده و طبیعت‌های زیبایی را مشاهده کرده‌ایم، اما بی‌اغراق هیچ‌گاه در چنین فضایی صبحانه‌ای با این لذت نخورده بودیم و استاد اسلامی با ادب مخصوص خود سخن ایشان را تأیید کرد. در حالی که هوا کم‌کم رو به گرمی می‌رفت و گل چیدن متوقف شده بود وارد شهر میمند شدیم. استاد بیانی کنجکاوانه به دو سه کارگاه عرق‌گیری سر کشید و درباره چندوچون تهیه عرقیات و گلاب‌گیری چنان صمیمانه با صاحبان کارگاه‌ها به گفت‌وگو پرداخت که همگان را شیفته اخلاق و رفتار خویش کرد. من به طریقی غیرآشکار و به اختصار از منزلت و اعتبار استاد سخن گفتم و آنان که صبحشان را با میهمانی باصفا و گرانقدر آغاز کرده بودند، چنان شادمان شدند که حاضر به قبول پول گلابی که استاد سفارش داده بود نشدند. به قول سعدی:

در چشم بامدادان به بهشت بر گشودن
نه چنان لطیف باشد که به دوست برگشایی

هنگام خداحافظی، استاد بیانی مهربان، با خوشرویی تمام، ضمن تشکر فراوان از صاحبان کارگاه‌های عرقیات و گلاب‌گیری نشانی ایشان را گرفت تا به طریقی محبت آنان را جبران کند. در زمان بازگشت از میمند به طرف شیراز، در مسیری که کوه‌های رنگین و زیبایی داشت، دکتر بیانی از داخل اتومبیل، ضمن آنکه توجه استاد اسلامی را به کوه‌های شگفت‌انگیز آنجا جلب می‌کرد، جمله‌ای بر زبان راند که برای من بسیار آموزنده بود: ”دلم می‌خواهد از اتومبیل پیاده شوم و در برابر این کوه‌های زیبا به احترام سر فرود آورم و سجده کنم.“

وجودش مانا و شیوه سلوکش الگو باد.



کتاب ایران نامک

آموزه‌های اقتصادی

ویراست دوم

گزیده آثار

جهانگیر آموزگار

به کوشش و بایبشگفتار محمد توکلی طوقی

با همکاری حسنعلی مهران